

درس شانزدهم: کباب غاز	
معنی	
۱	باید درست جلوشان در آبی . باید از آن ها درست پذیرایی کنی.
۲	تنها همان رتبه های بالا را وعده بگیر و مابقی را نقداً خط بکش و بگذار سماق بمکند
۳	فقط کارمندان بلند پایه را دعوت کن و بقیه را نادیده بگیر و بگذار بیهوده انتظار بکشند. (بی بهره بمانند)
۴	این بدبخت ها سال آزرگار یک بار برایشان چنین پایی می افتد برای این بیچاره ها در تمام مدت سال یک بار چنین فرصتی پیش می آید.
۵	شکم ها را مدتی است صابون زده اند که کباب غاز بخورند و ساعت شماری می کنند. مدتی است دل خوش کرده اند و به خود وعده داده اند و بی صبرانه منتظر هستند
۶	جوانی آسمان جُل و بی دست و پا . جوانی بی چیز و فقیر و ناتوان و بی عرضه
۷	هر گلی هست به سر خودت بزن : هر کاری کنی برای خودت کرده ای. (هر احترامی بگذاری به خودت گذاشته ای)
۸	حُسن کباب غاز به این است که سر به مُهر روی میز بیاید . ارزش و زیبایی کباب غاز به این است که دست نخورده روی میز بیاید
۹	کشف آمریکا و شکستن گردن رستم که نیست . کار بسیار سخت و دشواری نیست
۱۰	می خواهم امروز نشان بدهی که چند مرده حلاجی . می خواهی ثابت کنی چه اندازه توانایی داری (می توانی از عهده کار بر آیی.)
۱۱	با حال استیصال پرسیدم : پس چه خاکی به سرم بریزم؟ با درماندگی پرسیدم : چه چاره ای بیندیشم؟
۱۲	رفته رفته سر دماغ آمدم . آرام آرام سر حال شدم
۱۳	در خوش زبانی و حرافی و شوخی و بذله و لطیفه، نوک جمع را چیده و متکلم و وحده و مجلس آرای بلامعارض شده است با سخنان زیبا و لطیفه گویی به دیگران اجازه حرف زدن نمی داد و تنها گویند و مجری بی رقیب مهمانی بود
۱۴	روا نیست بیش از این روی میزبان محترم را زمین انداخت درست نیست خواهش میزبان محترم را رد کرد.

۱۵	چنان کلکش را کنند که گویی هرگز غازی قدم به عالم وجود نهاده بود طوری غاز را خوردند که انگار هیچ وقت آفریده نشده بود.
۱۶	پشت دستم را داغ کردم : عبرت گرفتم، توبه کردم
۱۷	از ماست که بر ماست : هر آنچه به ما می رسد نتیجه عملکرد خودمان است
۱۸	تیری که از شست رفته باز نمی گردد : کاری از دست خارج شده و دیگر قابل جبران نیست
۱۹	خم به ابرو نیاوردن: خونسردی خود را از دست ندادن
۲۰	شاخ درآوردن: کنایه از بسیار شگفت زده شدن و تعجب کردن
۲۱	ناز شستت باشد: مزد هنرمندی ات (کار خوبت) باشد.
۲۲	دین و ایمان را باختن: کنایه: عهد و پیمان را فراموش کردن. خیانت کردن.
۲۳	خانه خراب: کنایه: بدبخت و بیچاره
۲۴	سیلی آب نکشیده: کنایه از محکم بودن سیلی
۲۵	دل به دریا زدن: کنایه از خطر را پذیرفتن
۲۶	سر سوزنی خود را از تک و تا نیانداخت : خونسردی خود را از دست نداد.
۲۷	آب به دهانم خشک شده بود : کنایه از ترس و وحشت و تعجب
۲۸	دامن از دست رفتن: کنایه از بی اختیار شدن
۲۹	سرش توی حساب بود: کنایه: حواسش جمع بود.
۳۰	خوش نخواند: کنایه از اینکه کار خوبی نکرد.
۳۱	تا خرخره خوردن: پرخوری کردن
۳۲	توطئه ما دارد می ماسد: نقشه ما دارد می گیرد.(به نتیجه می رسد)
۳۳	نوک جمع را چیده : کنایه از این که به دیگران اجازه حرف زدن نمی داد.
۳۴	متکلم وحده و مجلس آرای بلامعارض شده بود: تنها خودش حرف می زد و مجلس و جمع را به تنهایی اداره می کرد و پیش می برد.
۳۵	سردهماغ آمدن: کنایه از سرحال شدن
۳۶	این گره فقط به دست خودت گشوده خواهد شد: این مشکل به دست خودت حل می شود.
۳۷	چندمرده حلاجی: کنایه از اینکه چه اندازه توانایی داری و می توانی از عهده کار بر آیی.
۳۸	از زیر سنگ پیدا کردن: کنایه از انجام کار بسیار دشوار
درک مطلب و خودآزمایی	
۱	منظور از عبارت زیر چیست ؟ کاه از خودمان نیست، کاهدان که از خودمان است. کنایه از اینکه باید در خوردن، اندازه را نگه داشت (نباید در خوردن از اندازه گذشت)
۲	منظور از قسمت مشخص شده چیست؟ تو را به خدا بگو فلانی هنوز از خواب بیدار نشده و شرّ این <u>غول بی شاخ و دم</u> را از سر ما بکن

	استعاره از مصطفی
۳	«آسمان جُل» کنایه از کیست؟ بی چیز و فقیر
۴	مفهوم ضرب المثل «از ماست که بر ماست» چیست؟ یعنی هر آنچه به ما می رسد نتیجه عملکرد خودمان است ارتباط با آیات زیر: گلّه ما را گله از گرگ نیست این همه بیداد شبان می کند از درد بر آینه دل گرد ندارم دارم گله از چشم خود از درد ندارم
۵	«پشت دست را داغ کردن» کنایه از چیست؟ عبرت گرفتن، توبه کردن
۶	منظور از قسمت مشخص شده چیست؟ فردای آن روز به خاطر آمد که دیروز یک دست از بهترین لباس های نو دوز خود را به انضمام <u>مایحتوی</u> به دست چلاق شده خودم از خانه بیرون انداخته ام. آقای استادی مصطفی خان